

فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه

سال ششم، شماره ۲۲، پاییز ۱۳۹۷، صص ۲۱-۳۹

چندمعنایی پسوند «-انه» در فارسی: رویکرد ساختواژه‌ساختی^۱

پارسا بامشادی^۲

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

شادی انصاریان^۳

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

نگار داوری اردکانی^۴

دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

پژوهش پیش رو، پسوند اشتقاقی «-انه» را در زبان فارسی مورد واکاوی قرار می‌دهد و سویه‌های گوناگون ساختاری و معنایی/کارکردی آن را بررسی می‌کند. این پژوهش، با رویکردی ساخت‌بنیاد و در چارچوب نظریه ساختواژه‌ساختی انجام گرفته که می‌کوشد الگوهای واژه‌سازی را بر پایه مفهوم ساخت و طرحواره‌های ساختی تبیین نماید و روابط پایگانی میان طرحواره‌ها و زیرطرحواره‌ها را به‌گونه‌ای سامان‌مند نشان دهد. داده‌های پژوهش برگرفته از پیکره ساختواژی خود نگارندگان (با بیش از ده‌هزار واژه مشتق و مرکب فارسی)، فرهنگ فارسی زانسو (کشانی، ۱۳۷۲) و واژه‌های مستخرج از فرهنگ پسوند در زبان فارسی (رواقی، ۱۳۸۸) است که ۹۴۴ واژه مشتق ساخته شده با پسوند «-انه» را دربر می‌گیرد. یافته‌های پژوهش نشان‌گر آن است که «-انه»، پسوندی چندمعنا و دارای تنوع معنایی چشمگیری است که می‌تواند در دوازده زیرطرحواره ساختی نمایان شده و واژه‌هایی از مقوله اسم، صفت یا قید بسازد. این چندمعنایی، نه در سطح واژه‌های عینی، بلکه در سطح طرحواره‌های ساختی انتزاعی قابل تبیین است و از این رو، آن را چندمعنایی ساختی می‌نامند.

کلیدواژه‌ها: پسوند «-انه»، وندافزایی، صرف ساختی، چندمعنایی ساختی، رویکرد ساخت‌بنیاد.

۱- تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۲۱

این مقاله، برگرفته از طرحی پژوهشی با عنوان «پیکره ساخت‌بنیاد اسم، صفت و قید مشتق در زبان فارسی: رویکردی شناختی» است که با حمایت ستاد توسعه علوم و فناوری‌های شناختی در حال انجام است.

۲- پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

parsa.bamshadi@gmail.com

۳- پست الکترونیکی:

ansarian.shadi@gmail.com

۴- پست الکترونیکی:

negar.davariardakani@gmail.com

۱- مقدمه

دو فرایند اصلی واژه‌سازی در زبان فارسی که زاینده واژه‌های بسیاری در این زبان هستند عبارت‌اند از وندافزایی (اشتقاق) و ترکیب. زبان فارسی، از توانمندی‌ها و امکانات چشمگیری در بهره‌گیری از این دو فرایند برخوردار است. در قلمرو وندافزایی، فارسی پیشوندها و پسوندهای بسیاری دارد که با افزوده‌شدن به واژه‌های موجود در این زبان، می‌توانند واژه‌های نو بسازند. پسوند «-انه»، یکی از پسوندهایی است که می‌تواند به واژه‌هایی از مقوله اسم و صفت افزوده شود و واژه‌های دیگری از مقوله اسم، صفت یا قید بسازد.

در بیش از پنج دهه گذشته، بیشتر دستورنویسان سنتی و زبان‌شناسان، در پژوهش‌های خود پیرامون اشتقاق در زبان فارسی، پسوند «-انه» را نیز مورد توجه قرار داده‌اند که در اینجا، به آثار و یافته‌های آنان، به صورت کوتاه نگریسته می‌شود.

صمصامی (۱۳۴۶: ۲۱۸-۲۲۶) می‌نویسد به‌باور بیشتر دستورنویسان سنتی، پسوند «-انه» بیان‌گر مفهوم شباهت و لیاقت است. وی با مرور و جمع‌بندی دیدگاه‌های پژوهش‌گران پیش از خود می‌گوید، بهتر است بپذیریم که پسوند «-انه» (خواه از ریشه «انه» در پارسی باستان باشد و خواه از نشانه «-ان» جمع به‌اضافه «ه») دارای دو معناست: ۱- معنای نسبت که در واژه‌هایی مانند *مردانه*، *ماهانه* و *ماهرانه* دیده می‌شود؛ ۲- اسم ابزار که از افزودن این پسوند به ستاک حال فعل به‌دست می‌آید، مانند *تازانه* (تازیانه).

بهشتی (۱۳۵۵: ۱۳۳) سه ساختار صوری برای پسوند «-انه» بیان کرده ولی اشاره‌ای به معنا و مفهوم آن‌ها نکرده است: ۱- اسم ذات + انه ← صفت / قید توصیفی: *دبیرانه*، *شاگردانه* و *مردانه*؛ ۲- صفت / اسم + انه ← صفت / قید توصیفی: *گستاخانه* و *سازش‌کارانه*؛ ۳- اسم عربی + انه ← صفت / قید توصیفی: *ماهرانه*، *معصومانه* و *صوفیانه*. کشانی (۱۳۷۱: ۳۳-۳۴) بر این باور است که پسوند «-انه» به اسم یا صفت می‌پیوندد و صفت یا قید می‌سازد. صفت ساخته‌شده با این پسوند، نمایان‌گر نوع شیء (لباس مردانه) یا نوع عمل (رفتار کودکانه) است و قید شباهت رفتار را بیان می‌کند. از نظر وی، این پسوند با افزوده‌شدن به اسم‌های بیان‌گر زمان، صفت / قید می‌سازد که تکرار واژه ریشه را بیان می‌کنند، مانند *روزانه*، *ماهانه*، *سالانه* و *سرانه*. گاهی هم با پیوستن به اسم یا قید زمان، اسم غذا می‌سازد، مانند *صبحانه*، *عصرانه*، و *یازانه* و *هوسانه*.

صادقی (۱۳۷۲) می‌نویسد، در زبان فارسی امروز بی‌گمان باید «-انه» را یک پسوند واحد دانست و نه ترکیبی از پسوند جمع «-ان» و «-ه»، هرچند در برخی واژه‌ها همچون *کودکانه* و *غریبانه*، هنوز

معنای جمع دیده می‌شود. وی سه کاربرد برای این پسوند بر شمرده است: ۱- با پیوستن به صفات بیان‌گر ویژگی‌های انسانی و اسم‌های مربوط به انسان، صفاتی می‌سازد که اعمال و حالت‌های انسانی را توصیف می‌کند، مانند *ابلهانه*، *ادیبانه* و *پدرانه*؛ ۲- با پیوستن به اسم یا صفت دال بر انسان یا دیگر اسم‌ها، صفت با معنای نسبت می‌سازد، مانند *مردانه*، *زنانه*، *شاهانه*، *روزانه* و *شبانه*؛ ۳- با افزوده شدن به اسم، اسم منسوب به پایه می‌سازد که به‌طور معمول بیان‌گر نوعی غذا یا پول است که باید پرداخت شود، مانند *صبحانه*، *عصرانه*، *شاگردانه* و *بیعانه*. وی واژه‌های *دیوانه*، *جانانه* و *هندوانه* را در فارسی امروز بسیط می‌داند. از دیدگاه کلباسی (۱۳۹۱: ۱۰۳-۱۰۴) پسوند «-انه» که گاه به صورت «-گانه» و «-ایانه» نیز نمایان می‌شود، با اسم، صفت یا ستاک حال فعل ترکیب شده و اسم، صفت یا قید می‌سازد. این پسوند، دارای چهار معناست: ۱- فاعلی: *روانه*؛ ۲- قابلیت: *شاهانه*؛ ۳- شباهت: *عاشقانه*، *پدرانه* و *داوطلبانه*؛ ۴- نسبت: *شبانه*، *روزانه*، *شکرانه* و *جانانه*. صورت «-یانه» در واژه‌های *ماه‌یانه*، *سالیانه*، *تازیانه* و *موریانه* دیده می‌شود و معنای «نسبت» را می‌رساند.

فرشیدورد (۱۳۸۶: ۳۲۷) پسوند «انه» را ترکیبی از دو پسوند «ان + ه» دانسته و پنج معنای اصلی برای آن بر شمرده است: ۱- معنای فاعلی و حالت: *دوانه* و *گریزانه*؛ ۲- معنای نسبت: *ماهانه*، *صبحانه*، *پیشکشانه*، *شکرانه* و *روزانه*؛ ۳- معنای شباهت و نسبت: *مردانه*، *عاقلانه*، *کودکانه* و *زیرکانه*؛ ۴- معنای لیاقت: *شاهانه* و *خسروانه*؛ ۵- معنای اسم آلت و ابزار: *تازیانه* و *پیمانه*.

به‌باور سامعی و تفسیری (۱۳۹۳: ۱۱۷-۱۱۸ و ۲۳۴-۲۳۵) پسوند «انه» در هشت ساختار متفاوت به‌کار می‌رود: ۱- [اسم (شخص) + انه] ← صفت/قید با معنای شباهت: *احمقانه*، *استادانه*، *پدرانه* و *شاعرانه*؛ ۲- [اسم مکرر (شخص) + انه] ← قید با معنای شباهت: *کورکورانه*؛ ۳- [اسم (شخص) + انه] ← صفت با معنای نسبت: *بچه‌گانه*، *پسرانه*، *دخترانه*، *زنانه* و *مردانه*؛ ۴- [صفت (شخص) + انه] ← قید با معنای شیوه و انفعال: *بدبختانه*، *خوشبختانه* و *متأسفانه*؛ ۵- [اسم (چیز) + انه] ← صفت/قید با معنای تناوب: *روزانه*، *سالانه*، *ماهانه* و *سرانه*؛ ۶- [اسم گروه (زمان) + انه] ← صفت با معنای تناوب: *دوسالانه*؛ ۷- [اسم (چیز) + انه] ← اسم با معنای نسبت، تعلق، غذا: *پرهیزانه*، *صبحانه*، *عصرانه*، *یارانه* و *هوسانه*؛ ۸- [اسم (عمل) + انه] ← اسم با معنای نسبت، تعلق، پاداش: *بیعانه*، *پژوهانه*، *شاگردانه* و *کارانه*.

به‌نظر می‌رسد گسترده‌ترین پژوهش پیرامون پسوند «-انه» (و یازده پسوند دیگر فارسی) را رواقی (۱۳۸۸) انجام داده باشد چراکه وی برای گردآوری داده‌ها، افزون بر هزار و چندصد رساله و کتاب قدیم و نواز نظم و نثر فارسی را بررسی کرده است. به‌باور وی، پسوند «-انه» بیشتر به صفت‌هایی می‌پیوندد که برای توصیف جانداران و به‌ویژه انسان به‌کار می‌روند و اگر برای غیر انسان به‌کار روند،

به دلیل معنای مجازی آن‌هاست. او دو قاعده کلی بیان کرده است: ۱- صفتی که بدون «-انه» برای غیر انسان به کار نمی‌رود، با «-انه» به صفتی تبدیل می‌شود که می‌تواند برای غیر انسان به کار رود: مرد ادیب ← رفتار/ سخن/ ادیبانه؛ ۲- صفتی که بدون «-انه» قید نمی‌شود، با افزودن «-انه» به قید تبدیل می‌شود: * او ادیب سخن می‌گفت ← او/ ادیبانه سخن می‌گفت.

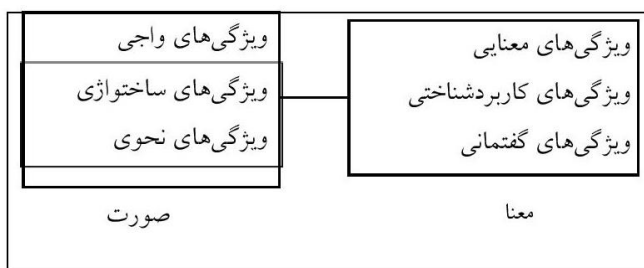
از آنجا که نظریه ساختواژه ساختی^۵ (بوی^۶، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۵) در قلمرو زبان‌شناسی نوپا است، تاکنون چندان مورد توجه پژوهش‌گران حوزه ساختواژه زبان فارسی قرار نگرفته است. با وجود این، در سال‌های اخیر چند پژوهش در این چارچوب انجام شده است که عبارت‌اند از: رفیعی (۱۳۹۱) که به معرفی نظریه ساختواژه ساختی همراه با ارائه مثال‌هایی از زبان فارسی پرداخته است؛ رفیعی و ترابی (۱۳۹۳) که بحث وراثت و انگیزگی در رابطه صورت و معنا در واژگان زبان فارسی را بر پایه ساختواژه ساختی مطرح کرده و با ارائه شواهدی از ساخت‌های اشتقاقی و ترکیبی زبان فارسی، کارایی این نظریه را در واکاو و واژه‌های مشتق و مرکب فارسی نشان داده‌اند؛ بامشادی و انصاریان (۱۳۹۴) که به تبیین ساختارهای ساختواژی ناپایگانی زبان فارسی در چارچوب این نظریه پرداخته‌اند؛ بامشادی و انصاریان (۱۳۹۵) که بنیادها و سازوکارهای نظری رویکرد ساخت‌بنیاد به آموزش واژه‌های مشتق و مرکب زبان فارسی را معرفی و بررسی کرده و به واکاو و دستاوردها و سودمندی‌های اتخاذ این رویکرد در آموزش این واژه‌ها برای فارسی‌آموزان پرداخته‌اند؛ عظیم‌دخت و رفیعی (۱۳۹۵) که ساخت [x-یاب] در زبان فارسی را از دیدگاه ساختواژه ساختی بررسی کرده‌اند؛ بامشادی و قطره (۱۳۹۶) که چندمعنایی پسوند «-ی» فارسی را در چهارچوب ساختواژه ساختی بررسی کرده‌اند.

در پژوهش پیش رو، به واکاو پسوند «-انه» و سویه‌های معنایی و ساختاری آن با رویکرد ساخت‌بنیاد و در چهارچوب نظریه ساختواژه ساختی پرداخته می‌شود. داده‌های پژوهش برگرفته از پیکره ساختواژی خود نگارندگان (با بیش از ده‌هزار واژه مشتق و مرکب فارسی)، فرهنگ فارسی زانسو (کشانی، ۱۳۷۲) و واژه‌های مستخرج از فرهنگ پسوند در زبان فارسی (رواقی، ۱۳۸۸) است که ۹۴۴ واژه مشتق ساخته شده با پسوند «-انه» را دربر می‌گیرد.

۲- ساختواژه ساختی

نظریه ساختواژه ساختی که نخستین بار به صورت منسجم و فراگیر در کتابی با همین نام توسط بوی (۲۰۱۰) ارائه شده است، رویکردی ساخت‌بنیاد به حوزه ساختواژه زبان دارد. رویکرد ساخت‌بنیاد، دانش

زبانی سخنگویان را دانش ساخت‌های^۷ زبان به‌شمار می‌آورد و واحد مطالعهٔ زبان را ساخت می‌داند. این رویکرد، تفاوتی میان تکواژها و واژه‌ها از یک‌سو و گروه‌ها و بندها از سوی دیگر قائل نیست و همگی آن‌ها را جفت‌های صورت - معنا می‌داند که تنها از لحاظ میزان پیچیدگی باهم متفاوت‌اند. در رویکرد ساخت‌بنیاد به زبان، هم الگوهای واژه‌سازی و هم الگوهای نحوی ساخت به‌شمار می‌آیند. ساخت، عبارت است از یک جفت صورت و معنا/ کارکرد که یادآور همان مفهوم نشانه در دیدگاه سوسوری است؛ البته با این تفاوت که سوسور، مفهوم نشانه را تنها برای واژه‌ها به‌کار می‌برد ولی رویکرد ساخت‌بنیاد، همهٔ واحدهای واژگانی و نحوی زبان با درجات پیچیدگی گوناگون را ساخت می‌داند؛ از این رو، هر ساخت، دارای دو بخش یا دو قطب است: بخش/ قطب معنایی و بخش/ قطب صوری. بخش صوری ساخت‌ها هم ویژگی‌های ساختواژی - نحوی^۸ آن‌ها را دربر می‌گیرد و هم ویژگی‌های واجی را. بخش معنایی ساخت‌ها نیز دربرگیرندهٔ ویژگی‌های معنایی، کاربردشناختی و گفتمانی آن ساخت است. شکل زیر، بازنمایی ساخت و دو بخش صوری و معنایی آن را نشان می‌دهد.



شکل (۱). ساخت و دو بخش معنایی و صوری آن (بوی، ۲۰۱۵)

ساختواژه‌ساختی، الگوهای واژه‌سازی را طرحواره‌هایی انتزاعی به‌صورت جفت‌هایی از صورت - معنا می‌داند که واژه‌های منفرد زبان براساس آن‌ها شکل می‌گیرد. این طرحواره‌ها، از واژه‌های عینی زبان انتزاع یافته‌اند که در اثر رویارویی زبانوران با واژه‌های پیچیده در ذهن آن‌ها شکل می‌گیرد. برای نمونه، هنگامی که زبانور با شمار زیادی از واژه‌هایی همچون بی‌هنر، بی‌حوصله، بی‌جنبه، بی‌ادب، بی‌سواد، بی‌پول و بی‌کار روبه‌رو شود، آنگاه الگوی ساختواژی [بی + اسم] صفت را فرامی‌گیرد. همهٔ این واژه‌ها، صفت‌هایی هستند که با اسم‌های هنر، حوصله، جنبه، ادب و سواد، پول و کار، در صورت و معنا، رابطهٔ سامان‌مند دارند. بازنمایی این صفت‌ها با طرحوارهٔ ساختی زیر انجام می‌شود:

a. <[bi- [x]_{Ni}]_{Aj} ↔ [Property of being without SEMi]_j>

7. construction

8. morphosyntactic

در این طرحواره، پیکان دوسر، نشان‌دهنده همبستگی دوسویه صورت و معناست. هم‌نمایه‌سازی برای نمایش رابطه سامان‌مند میان صورت و معنا به‌کار می‌رود؛ SEM_i به معنای متغیر X اشاره دارد از مقوله اسم (N) است و نمایه φ بیان‌گر آن است که معنای کل ساخت با صورت کلی آن دارای پیوند است. متغیر X، نمایان‌گر یک شکاف تهی^۹ است که می‌تواند با عناصری از مقوله اسم پر شود؛ برای نمونه، هنگامی که این شکاف با اسم انگیزه پر شود، واژه بی‌انگیزه به‌دست می‌آید و گفته می‌شود، این واژه، یک نمون‌یافتگی^{۱۰} از طرحواره مورد نظر است. این نمون‌یافتگی‌های عینی و بالفعل را برساخت^{۱۱} نیز می‌گویند. در رویکرد ساخت‌بنیاد، باور بر این است که دانش زبانی سخنگویان هم‌دربدارنده دانش ساخت‌ها (طرحواره‌های ساختی) است و هم برساخت‌ها (موارد ویژه و عینی). زبانوران نخست واژه‌های عینی که در کاربردهای روزمره زبان با آن‌ها روبه‌رو می‌شوند را فرامی‌گیرند و سپس بر پایه آن‌ها، طرحواره‌سازی می‌کنند؛ طرحواره‌ها، در واقع نیروی زاینده دستور زبان هستند (بوی، ۲۰۱۳: ۲۵۶).

طرحواره‌های ساختواژی، دو نقش عمده را در زبان بازی می‌کنند: یکی آنکه چگونگی شکل‌گیری قاموس‌واژه‌ها یا صورت‌واژه‌های نو را تعیین می‌کنند و دوم آنکه سبب انگیختگی^{۱۲} در واژگان زبان می‌شوند. انگیختگی، یعنی کاهش میزان دلخواهی بودن میان صورت و معنا (بوی، ۲۰۱۵) برای نمونه، در واژه‌ای مانند زور، پیوند میان صورت و معنا کاملاً دلخواهی و ناانگیزه است؛ اما واژه آبرومند، از انگیختگی زیادی برخوردار است؛ زیرا معنای آن، وابسته به معنای پایه اسمی (آبرو) و معنای طرحواره ساختی آن است. طرحواره‌های ساختواژی، از لحاظ میزان زبانی باهم متفاوت‌اند؛ برای نمونه، طرحواره $[[x]_N - mænd]_A$ طرحواره‌ای زایا در زبان فارسی است؛ زیرا با افزودن پسوند «-مند» به اسم‌ها، به‌سادگی می‌توان صفت‌های نوساخت، مانند دردمند، سامان‌مند، هنرمند، هدفمند، خردمند، قالب‌مند، عزت‌مند و مانند آن؛ ولی طرحواره $[[x]_V - ak]_N$ زبانی کمتری دارد و واژه‌های اندکی بر پایه آن شکل گرفته است، مانند خوراک، پوشاک و سوزاک.

یکی از اصول کلیدی در ساختواژه ساختی این است که واژگان زبان بسیار ساختارمندند و این ساختارمندی، به‌دلیل وجود طرحواره‌ها و زیرطرحواره‌ها^{۱۳} است. زیرطرحواره‌ها، نمونه‌هایی از طرحواره‌ها هستند که معنای آن‌ها مشخص‌تر از طرحواره‌هاست؛ برای نمونه، فرایند ترکیب که یکی از

9. slot

10. instantiation

11. construct

12. motivation

13. subschema

زیاترین فرایندهای واژه‌سازی در زبان فارسی است را در نظر بگیرید، طرحواره کلی این فرایند را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

$$[X_i Y_j]_{ZK} \leftrightarrow [SEM_j \text{ with relation } R \text{ to } SEM_i]_K$$

این طرحواره، می‌تواند دارای زیرطرحواره‌های گوناگونی برای ترکیب‌های NN (کتابخانه)، NV (میوه‌فروش)، AV (تندرو)، AN (سفیدپوست)، NA (قابلند) و مانند آن باشد که برخی از آن‌ها، زیاتر از بقیه هستند. میان هر طرحواره و زیرطرحواره‌های آن، رابطه پایگانی وجود دارد؛ برای نمونه، سلسله‌مراتب زیرطرحواره‌های حاکم بر واژه خوش‌سیما را می‌توان به شکل زیر نمایش داد:

$$\begin{array}{c} [[a]_X [b]_Y]_Z \\ | \\ [[a]_X [b]_N]_Z \\ | \\ [[a]_A [b]_N]_A \\ | \\ [[\text{خوش}]_A [b]_N]_A \\ | \\ [[\text{خوش}]_A [\text{سیما}]_N]_A \end{array}$$

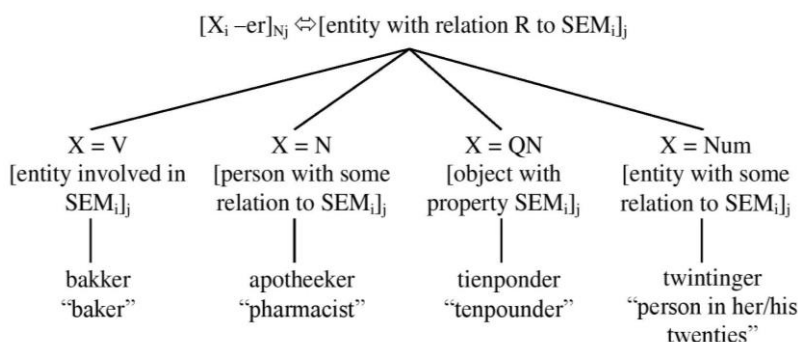
در بالاترین سطح، دو عنصر a و b که به ترتیب از مقوله X و Y هستند باهم ترکیب شده و واژه‌ای از مقوله Z به دست می‌آید. در سطح پایین‌تر، مقوله عنصر b مشخص می‌شود که اسم (N) است و مقوله واژه حاصل از ترکیب نیز مشخص می‌گردد که صفت (A) است. باز در سطح پایین‌تر، مقوله عنصر a نیز مشخص می‌شود که صفت (A) است. در دو سطح پایینی، خود عناصر a و b به ترتیب مشخص می‌گردند و به جای آن‌ها خوش و سیما قرار می‌گیرد. به این ترتیب، هرچه از بالای نمودار به سمت پایین بیاییم، از میزان طرحواره‌بودگی کاسته شده و بر میزان مشخص‌بودگی افزوده می‌شود.

۳- چندمعنایی در ساختواژه ساختی

رویکرد ساخت‌بنیاد به واژه‌سازی که دیدگاه واژگان پایگانی^{۱۴} دارای سطوح گوناگونی از تعمیم را سرلوحه خود قرار می‌دهد، این امکان را فراهم می‌سازد تا بتوان چندمعنایی واژه‌های آمیخته را به خوبی تبیین کرد. اگر به وجود ساختار پایگانی برای واژگان ذهنی قائل بود، آنگاه می‌توان برای تفسیرها یا معنای متفاوت یک ساخت، زیرطرحواره‌های متفاوت در نظر گرفت. این زیرطرحواره‌ها هم

نشان‌دهنده الگوهای ساختوازی کنونی موجود در زبان‌اند و هم تبیین‌گر چگونگی ایجاد واژه‌های جدید بر پایه این الگوهای ساختوازی (بوی، ۲۰۰۷). این زیرطرحواره‌ها می‌توانند از درجات گوناگونی از زایایی برخوردار باشند و سرچشمه ساخت‌واژه‌های نو در زبان قرار گیرند.

بوی (۲۰۱۰: ۸۴) چندمعنایی پسوند *-er* در زبان هلندی و طرحواره‌ها و زیرطرحواره‌های تعمیم‌یافته از اسم‌های مشتق دارای این پسوند را به شکل نمودار زیر نشان داده است:



نمودار (۱). چندمعنایی پسوند *-er* در زبان هلندی (بوی، ۲۰۱۰: ۸۴)

در رویکرد ساخت‌بنیاد به زبان، به‌جای اصطلاح واژگان^{۱۵} (ذهنی) از اصطلاح ساختگان^{۱۶} استفاده می‌شود؛ زیرا در این رویکرد، همه واژه‌ها و ساختارهای نحوی را ساخت در نظر می‌گیرند. در نمودار بالا، به‌روشنی می‌توان دید که چندمعنایی در ساختگان ذهنی زبانوران به‌صورت یک معنای فراگیر که همه معنای ویژه (زیرطرحواره‌ها) را دربر گرفته است، نهادینه می‌شود.

۴- چندمعنایی پسوند «-انه» در چارچوب ساختواژه‌ساختی

در این بخش، ابتدا به بررسی داده‌های پژوهش پرداخته می‌شود و پس از شناسایی زیرطرحواره‌های گوناگون مربوط به پسوند «-انه»، رابطه شبکه‌ای و پایگانی آن‌ها در قالب نمودار نشان داده می‌شود؛ سپس با بررسی نمونه‌هایی از واژه‌های دارای پسوند «-انه» که به‌صورت تصادفی از پیکره همشهری^{۱۷} استخراج شده‌اند، یافته‌های پژوهش مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۴-۱- بررسی داده‌ها

بررسی داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که پسوند «-انه» دارای دوازده زیرطرحواره متفاوت است. در

15. lexicon

16. constructicon

۱۷- به نشانی اینترنتی <http://dadegan.ir/catalog/hamshahri>

ادامه، نخست هریک از زیرطرحواره‌های پذیرندهٔ این پسوند را معرفی کرده و جنبه‌های صوری و معنایی آن‌ها واکاوی می‌شود؛ سپس ارتباط میان این زیرطرحواره‌ها در قالب یک شبکهٔ پایگانی نشان داده می‌شود.

۱) در بسیاری از واژه‌های دارای پسوند «-انه»، این پسوند با افزوده‌شدن به یک پایهٔ اسمی، صفتی می‌سازد که معنای مناسب/ درخور/ مخصوص اسم پایه را می‌رساند؛ مانند:

الف: غذای شاهانه: غذایی که مخصوص / درخور شاه است.

ب: نگاه مادرانه: نگاهی که درخور مادر است.

پ: لباس بچه‌گانه: لباسی که مناسب / مخصوص بچه است.

ت: قول مردانه: قولی که درخور یک مرد است. (گفتنی است که در اینجا منظور از مرد، جنس مذکر نیست؛ بلکه این واژه، دست‌خوش گسترش معنایی شده و می‌تواند به هر دو جنس مذکر و مؤنث اطلاق شود.)

بازنمایی این زیرطرحوارهٔ ساختی به‌صورت زیر خواهد بود:

1) $\langle [X]_{Ni} -ane \rangle_{Aj} \leftrightarrow [X \text{ درخور/ مناسب/ مخصوص}]_j$

مانند شاهانه، پدرانه، مادرانه، زنانه، مردانه، بچه‌گانه، دخترانه، پسرانه و دوستانه.

پایهٔ وندافزایی در این زیرطرحواره اسمی است که بیشتر بر انسان و گاه بر دیگر جانداران (چشم‌آهوانه و فغان بلبلانه) دلالت دارد.

۲) افزوده‌شدن پسوند «-انه» به همان پایه‌های اسمی اشاره‌شده در بالا، می‌تواند افزون بر صفت، قیدساز نیز باشد که بازنمایی زیرطرحوارهٔ آن به شکل زیر خواهد بود:

2) $\langle [X]_{Ni} -ane \rangle_{(Adv)j} \leftrightarrow [X \text{ شیوه/ همچون یک}]_j$

الف: شاهانه غذا می‌خورد: به شیوهٔ / همچون یک شاه غذا می‌خورد.

ب: مادرانه نگاه می‌کرد: به شیوهٔ / همچون یک مادر نگاه می‌کرد.

پ: مردانه قول بده: به شیوهٔ / همچون یک مرد قول بده.

۳) گاه پسوند «-انه» به اسم‌هایی افزوده می‌شود که این اسم‌ها، بیان‌گر یک فرایند (کنش) هستند. واژهٔ حاصل از این وندافزایی، اسمی است که اشاره به چیزی (معمولاً پولی) یا عملی دارد که در ازای انجام آن فرایند پایه پرداخت می‌شود یا انجام می‌شود.

الف: کارانه: چیزی (معمولاً پولی) که در برابر کار پرداخت می‌شود.

ب: بیعانه: چیزی (معمولاً پولی) که در ازای بیع (خرید و فروش) پرداخت می‌شود.

پ: شکرانه: چیزی / عملی که برای شکر پرداخت می‌شود/ انجام می‌شود.

زیرطرحواره انتزاع‌یافته از این واژه‌ها را می‌توان به صورت زیر نمایش داد:

3) <[چیزی که در برابر / به عنوان X پرداخت می‌شود] ↔ [[x]_{Ni} -ane]_{Nj}>

مانند کارانه، شکرانه و بیعانه.

این زیرطرحواره، چندان زایا نیست و واژه‌های اندکی از آن ساخته شده است.

۴) در شمار بسیار اندکی از واژه‌های گردآوری شده، پسوند «-انه» به یک اسم دال بر انسان افزوده شده و اسم دیگری می‌سازد که اشاره به چیزی (معمولاً پولی) دارد که به آن اسم پایه داده می‌شود.

الف: شاگردانه: چیزی (معمولاً پولی) که به شاگرد پرداخت می‌شود.

ب: یارانه: چیزی (معمولاً پولی) که به یار پرداخت می‌شود.^{۱۸}

4) <[چیزی که به X پرداخت می‌شود] ↔ [[x]_{Ni} -ane]_{Nj}>

مانند شاگردانه و یارانه.

این زیرطرحواره زایایی بسیار پایینی دارد و شمار واژه‌های برآمده از آن از انگشتان یک دست فراتر نمی‌رود.

۵) در برخی موارد پسوند «-انه» به اسمی افزوده می‌شود که بیان‌گر یک پاره زمانی (صبح، ظهر، عصر) یا زمان مربوط به موضوع خاصی است (پرهیز و ویار). واژه حاصل از این وندافزایی اسمی است که اشاره به خوردنی یا غذایی دارد که در آن برهه زمانی خورده می‌شود.

الف: صبحانه: غذایی که در زمان صبح خورده می‌شود.

ب: عصرانه: غذایی که در هنگام عصر می‌خورند.

پ: ویارانه: خوردنی / غذایی که در هنگام ویار می‌خورند.

ت: پرهیزانه: خوردنی / غذایی که در زمان پرهیز می‌خورند.

بازنمایی زیرطرحواره انتزاع‌یافته از این واژه‌ها به صورت زیر است:

5) <[خوردنی / غذایی که در زمان X می‌خورند] ↔ [[x]_{Ni} -ane]_{Nj}>

۱۸- این واژه را فرهنگستان زبان و ادب فارسی به جای «سوسید» ساخته است ولی هیچ منبعی درباره چگونگی ساخت آن یافت نشد. به نظر می‌رسد ساختار آن به صورت «بار + انه» باشد، هرچند تحلیل دقیق آن را باید از سازندگان این واژه پرسید.

مانند صبحانه، عصرانه، ظهرانه، و یارانه و پرهیزانه.

۶) پسوند «-انه» گاه به اسم‌های بیان‌گر بازه‌های زمانی (همچون روز، ماه، سال) می‌پیوندد و صفت‌هایی به‌دست می‌دهد که بیان‌گر تکرار و تناوب در آن بازه زمانی هستند.

الف: کنفرانس سالانه: کنفرانسی که هر سال تکرار می‌شود.

ب: برنامه روزانه: برنامه‌ای که هر روز انجام می‌شود.

پ: چکاپ دوسالانه: چکاپی که هر دو سال یک‌بار انجام می‌گیرد.

این واژه‌ها، حاصل زیرطرحواره زیر هستند:

6) <[تکرارشونده در هر دوره زمانی X] ↔ [ane]_{Ni} [X]>

مانند سالانه (سالبانه)، ماهانه (ماهبانه)، روزانه و دوسالانه.

۷) در پاره‌ای موارد، پسوند «-انه» به اسم بیان‌گر بازه‌های زمانی (روز و شب) افزوده شده و صفت‌هایی می‌سازند که توصیف‌گر عملی است که در طول آن بازه زمانی انجام می‌شود.

الف: خواب شبانه: خوابی که مربوط به طول شب است.

ب: کار روزانه: کاری که مربوط به طول روز است.

پ: نجوای شبانه: نجوایی که مربوط به طول شب است.

بازنمایی زیرطرحواره مربوط به این واژه‌ها می‌تواند به‌صورت زیر باشد:

7) <[مربوط به طول زمان X] ↔ [ane]_{Ni} [X]>

مانند شبانه و روزانه.

۸) افزوده‌شدن پسوند «-انه» به اسم‌های بیان‌گر بازه‌های زمانی (سال، ماه، روز، شب)، گاه می‌تواند قیدهایی بسازد که معنای به‌ازای/ برای هریک را می‌رساند.

الف: در صورت راه‌اندازی یک واحد از پالایشگاه پارسیان، ظرفیت کنونی تولید گاز کشور به روزانه ۴۲۴ میلیون مترمکعب افزایش می‌یابد. (پیکره همشهری) [روزانه = به‌ازای هریک روز].

ب: به‌رغم آنکه در دریای خزر، سالانه هزینه‌های زیادی برای بازسازی ذخایر صرف می‌شود... (پیکره همشهری) [سالانه = به‌ازای هریک سال].

8) <[به‌ازای/ در هریک X] ↔ [ane]_{(Adv)j} [X]>

مانند روزانه، سالانه، ماهانه و سرانه.

چنین می‌نماید که واژه *سرانه* نیز، حاصل همین زیرطرحواره باشد با این تفاوت که بیشتر به‌مثابه اسم یا صفت به‌کار رود و نه قید. معنای این واژه، به‌ازای / برای هر سر است و سر در اینجا مجاز از فرد و شخص است؛ مانند:

پ: میزان *سرانه* آبی که در اختیار شهروندان تهرانی قرار می‌گیرد. (پیکره همشهری)

ت: *سرانه* قیمت دارو در کشور حدود ... هزار ریال است. (پیکره همشهری)

ث: برای محاسبه درآمد *سرانه*، تولید ناخالص داخلی کشور را بر جمعیت تقسیم می‌کنند.

در دو مورد نخست، *سرانه* نقش اسم دارد و در مورد سوم، نقش صفت.

۹) یکی از پربسامدترین کاربردهای پسوند «-انه» هنگامی است که با پیوستن به یک صفت (معمولاً بیان‌گر ویژگی انسان) صفتی می‌سازد که بیان‌گر ویژگی چیزی یا عملی است:

الف: اقدام *شجاعانه*: اقدامی که درخور / شایسته فرد شجاع است.

ب: سخن *عاقلانه*: سخنی که درخور فرد عاقل است.

پ: کار *احمقانه*: کاری که درخور فرد احمق است.

ت: داوری *عادلانه*: داوری شایسته کسی که عادل است.

9) <[[x]_{Ai} -ane]_{Aj} ↔ [دارد x چیزی که ویژگی x دارد]>

مانند *شجاعانه*، *عاقلانه*، *عاشقانه*، *احمقانه*، *عادلانه*، *مودیانانه*، *بی‌طرفانه* و *یک‌جانبه‌گرایانه*.

۱۰) افزوده‌شدن پسوند «-انه» به صفت، افزون بر آنکه می‌تواند صفت به‌دست دهد، می‌تواند فرایندی قیدساز نیز باشد که در این صورت، بازنمایی زیرطرحواره آن به شکل زیر خواهد بود.

الف: *شجاعانه* می‌جنگید: به شیوه کسی که شجاع است می‌جنگید.

ب: *عاشقانه* می‌گریست: به شیوه کسی که عاشق است می‌گریست.

10) <[[x]_{Ai} -ane]_{(Adv)_j} ↔ [به شیوه کسی / چیزی که ویژگی x دارد]>

مانند *شجاعانه*، *عاشقانه*، *متأسفانه*، *خوشبختانه*، *بدبختانه* و *شوربختانه*.

۱۱) پسوند «-انه» در چند واژه محدود به ستاک زمان حال فعل افزوده می‌شود و دو معنای متفاوت را می‌رساند. ستاک‌های حال و گذشته فعل در زبان فارسی بیان‌گر فرایندی (کنش یا رویدادی) هستند که فعل به آن اشاره دارد. بر این پایه، ساختار [ستاک حال + انه] می‌تواند بیان‌گر این دو معنا باشد: ۱- چیزی که در ازای انجام عمل بیان‌شده در ستاک فعل به انجام‌دهنده آن پرداخت می‌شود؛ ۲- آنچه سبب

و علت انجام عمل بیان شده در ستاک فعل می‌شود.

از این رو، واژه‌های دارای ساختار [ستاک حال + انه] می‌توانند حاصل دو زیرطرحواره متفاوت باشند:

11) <[[x]_(Vpres)i -ane]_{Nj} ↔ [چیزی که در برابر انجام عمل X پرداخت می‌شود]

الف: آموزانه^{۱۹}: چیزی (معمولاً پولی) که در ازای انجام عمل آموزش به کسی پرداخت می‌شود. (در مورد احکام اعضای هیئت علمی که مبنای محاسبه آموزانه قرار می‌گیرد تاریخ اجرای حکم ملاک عمل است.)

ب: پژوهانه: چیزی (معمولاً پولی) که در ازای انجام عمل پژوهش به کسی پرداخت می‌شود. (دانشجویان مشمول پژوهانه که اسامی آنان در لیست است.)

12) <[[x]_(Vpres)i -ane]_{Nj} ↔ [چیزی که سبب عمل X می‌شود]

پ: تازیانه: آنچه سبب تاختن شود. (در اینجا پسوند به ستاک حال فعل تاختن یعنی تاز افزوده شده و خود پسوند به صورت «- یانه» پدیدار شده است. واژه حاصل از این وندافزایی، اسم ابزار خواهد بود.)
ت: زاریانه^{۲۰}: آنچه سبب زاریدن شود. (در اینجا پسوند به ستاک حال فعل زاریدن یعنی زار افزوده شده و خود پسوند به صورت «- یانه» پدیدار شده است.)

تاکنون نشان داده شد که پسوند «-انه»، می‌تواند در دوازده زیرطرحواره متفاوت به کار رود و دوازده معنای گوناگون از خود نشان دهد. اکنون باید رابطه شبکه‌ای و پایگانی میان این زیرطرحواره‌ها نشان داده شود. در زیرطرحواره‌های ۱، ۲ و ۴، پایه اشتقاق اسمی است که بر انسان دلالت دارد؛ در زیرطرحواره‌های ۵، ۶، ۷ و ۸ پایه اشتقاق اسمی است که بر زمان دلالت دارد؛ و در زیرطرحواره ۳، پایه اشتقاق اسمی است دال بر فرایند (عمل). از این رو، در ۸ زیرطرحواره، پسوند «-انه» به پایه اسمی افزوده می‌شود. در زیرطرحواره‌های ۹ و ۱۰، این پسوند به صفت افزوده می‌شود و در زیرطرحواره‌های ۱۱ و ۱۲، به ستاک حال فعل. در نتیجه، بازنمایی دقیق‌تر ۱۲ زیرطرحواره پسوند «-انه» به صورت زیر است که به خاطر پرهیز از تکرار، تنها بخش صوری آن‌ها نمایش داده می‌شود:

۱۹- این واژه را فرهنگستان زبان و ادب فارسی، به جای «حق‌التدریس» و به معنای «وجهی که در ازای تدریس به استاد و آموزگار پرداخت می‌شود»، ساخته است.

۲۰- این واژه در فارسی امروز کاربرد ندارد ولی چون از [ستاک حال + انه] ساخته شده است برای نمونه ذکر شد:

بشنو ای یار از نزاری زار زاری ما و زاریانه ما

[شعر از نزاری قهستانی، (منبع: فرهنگ دهخدا)]

- | | |
|---|---|
| 1) [[x] _{N-Human} -ane] _A | 2) [[x] _{N-Human} -ane] _{Adv} |
| 3) [[x] _{N-Process} -ane] _N | 4) [[x] _{N-Human} -ane] _N |
| 5) [[x] _{N-Time} -ane] _N | 6) [[x] _{N-Time} -ane] _A |
| 7) [[x] _{N-Time} -ane] _A | 8) [[x] _{N-Time} -ane] _{Adv} |
| 9) [[x] _A -ane] _A | 10) [[x] _A -ane] _{Adv} |
| 11) [[x] _{Vpres} -ane] _N | 12) [[x] _{Vpres} -ane] _N |

ساختار شبکه‌ای و پایگانی میان دوازده زیرطرحواره بالا در پیوست (۱) نشان داده شده است. در این نمودار، به دلیل محدودیت فضا، تنها بخش صوری زیرطرحواره‌های پیش گفته نمایش داده شده و از نمایش بخش معنایی آن‌ها خودداری شده است.

برخی از پژوهش‌گران همچون کلباسی (۱۳۹۱: ۱۰۳) واژه روانه را حاصل افزوده شدن پسوند «-انه» به ستاک فعلی رو دانسته و از این رو، یکی از معناهای پسوند «-انه» را معنای فاعلی انگاشته‌اند؛ ولی ما بر این باوریم که روانه در اصل روان + ه است و پسوند «-انه» نقشی در ساخت این واژه ندارد. جاودانه نیز در اصل «جاودان + ه» است.

سامعی و تفسیری (۱۳۹۳: ۱۱۸) درباره کورکورانه گفته‌اند که این واژه، دارای ساختار [اسم مکرر (شخص) + انه] است در حالی که به این نکته توجه نداشته‌اند که در فارسی، واژه کورکور نداریم که به آن پسوند «-انه» بیفزاییم. به‌باور ما، کورکورانه در اصل کور + کورانه است؛ یعنی حاصل دوگان‌سازی ناقص پیشین^{۲۱}.

همان‌گونه که پژوهش‌گرانی همچون کلباسی (۱۳۹۱) و کشانی (۱۳۷۱) گفته‌اند، سه واژه متأسفانه، خوشبختانه و بدبختانه کاربرد صفتی ندارند و تنها در مقام قید به‌کار می‌روند؛ البته باید به این‌ها واژه شوربختانه را نیز افزود. نکته‌ای که درباره این چهار قید شایسته یادآوری است این است که بیان‌گر حالت روانی یا نگرش ذهنی گوینده (نویسنده) در لحظه گفتار (نوشتار) بوده و معنای آن‌ها گذرا و لحظه‌ای است.

۴-۲- ارزیابی یافته‌ها

در اینجا می‌کوشیم یافته‌های پژوهش را به کمک داده‌هایی واقعی از کاربرد زبان که به‌صورت تصادفی از پیکره همشهری به‌دست آمده‌اند محک بزنیم و میزان درستی و کارایی زیرطرحواره‌های معرفی شده برای پسوند «-انه» را ارزیابی کنیم؛ بدین منظور، زیرطرحواره حاکم بر هریک از واژه‌های دارای پسوند «-انه» در نمونه‌های زیر را بیان خواهیم کرد.

- شهرداری تهران نسبت به تأمین روشنایی ... خیابان ۳۶ کیلومتری ولی عصر که روزانه یک میلیون و

- سالانه ۳۶۰ میلیون نفر از شهروندان در آن تردد می‌کنند اقدام کند. [هر دو واژه در اینجا قید هستند و حاصل زیرطرحواره ۸].
- از تدوین طرح‌های بلندپروازانه برای ساخت پارک‌های علوم بپرهیزند. [صفت و حاصل زیرطرحواره ۹].
- این قبیل همکاری‌ها اغلب کوتاه‌بینانه و بر منافع تنگ‌نظرانه متمرکز است. [هر دو صفت و حاصل زیرطرحواره ۹].
- ما می‌خواهیم از بازی‌های دوستانه در تعطیلات برای آماده‌سازی استفاده کنیم. [صفت و حاصل زیرطرحواره ۱].
- ... ولی او سرسختانه به لجبازی می‌پرداخت. [قید و حاصل زیرطرحواره ۹].
- وقتی که کار روزانه خود را به پایان رساندید ... [صفت و حاصل زیرطرحواره ۷].
- ... داشتن موضع منفی و بی‌طرفانه در آینده دعوتش تأثیر نخواهد داشت ... [صفت و حاصل زیرطرحواره ۹].
- اگرچه زمانه، مهر و قهر مؤمنانه علی (ع) را برنتابید... [صفت و حاصل زیرطرحواره ۹].
- نامهٔ سنجیده و روشن‌گرانهٔ پیامبر را خواند ... [صفت حاصل زیرطرحواره ۹].
- رویکرد اروپا کاملاً هم‌جهت با آمریکا و نسبت به ایران بسیار سخت‌گیرانه بود. [صفت و حاصل زیرطرحواره ۹].
- رویکرد غیرقانونی، سیاسی و ناعادلانهٔ اروپا در قبال پروندهٔ هسته‌ای ایران ... [صفت و حاصل زیرطرحواره ۹].
- اتخاذ سیاست‌های یک‌جانبه‌گرانهٔ آمریکا در حمله به عراق ... [صفت و حاصل زیرطرحواره ۹].
- ایران فقط در شرایط مساوی و عادلانه می‌تواند با نهادهای بین‌المللی همکاری داشته باشد. [صفت و حاصل زیرطرحواره ۹].
- این فیلم نگاهی متعصبانه به دین اسلام دارد. [صفت حاصل زیرطرحواره ۹].
- فیناستراید دارویی رایج برای درمان طاسی مردانه است. [صفت و حاصل زیرطرحواره ۱].
- طناب‌های بسته‌شده به لولهٔ حمام و آشپزخانه نیز بسیار ناشایسته بسته شده و ... [قید و حاصل زیرطرحواره ۱۰].
- تقاضای عباس عجزلانه است و ... [صفت و حاصل زیرطرحواره ۹].
- حماس و فتح علیه اقدامات خصمانهٔ اسرائیل متحد می‌شوند. [صفت و حاصل زیرطرحواره ۱].

- باید این حق را داشته باشند که *آزادانه* از این مرز عبور کنند. [قید و حاصل زیرطرحواره ۱۰].
- کارهای *نوآورانه* معلمان و شرکت‌های نوآور در حوزه آموزش و پرورش ... [صفت و حاصل زیرطرحواره ۹].

بررسی این داده‌های پیکره‌ای، نشان‌گر آن است که معناها و کاربردهای گوناگون پسوند «-انه» در قالب دوازده زیرطرحواره پیش‌گفته، به‌خوبی بازنمایی شده است. این بررسی، همچنین نشان می‌دهد که برخلاف گمانی که دربارهٔ پسوند «-انه» داریم، این پسوند بیشتر نقش صفت‌ساز دارد و نه قیدساز؛ به‌گونه‌ای که از ۲۲ مورد کاربرد این پسوند، هفده مورد آن دارای نقش صفت‌ساز است؛ البته بی‌گمان اظهارنظر قطعی در این باره نیازمند انجام پژوهشی جدا و بر پایهٔ تعداد داده‌های بسیار بیشتر است.

۵- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، به‌واکوی چندمعنایی پسوند «-انه» در زبان فارسی پرداخته و نشان داده است که این پسوند، در دوازده زیرطرحواره متفاوت پدیدار می‌شود و گستردگی و تنوع معنایی آن بسیار بیشتر از آن چیزی است که در کارهای پیشینیان و به‌ویژه دست‌نویسان سنتی ذکر شده است. معلوم شد که به کمک طرحواره‌ها و زیرطرحواره‌های ساختی می‌توان پیوند میان معناهای گوناگون یک تکواژ اشتقاقی را به‌خوبی نشان داد. پس همان‌گونه که بوی (۲۰۰۷) استدلال کرده است، اگر الگوهای واژه‌سازی را طرحواره‌های ساختی بینگاریم که ویژگی‌های مشترک مجموعه‌ای از واژه‌های آمیخته را در خود دارند، آنگاه توانایی تبیین پدیدهٔ چندمعنایی که در الگوهای ساختواژی زبان‌های گوناگون به‌فراوانی یافت می‌شود به‌دست می‌آید؛ به‌ویژه، ایدهٔ واژگان پایگانی و زیرطرحواره‌ها در این زمینه بسیار راه‌گشا و کارساز است.

در این پژوهش، همچنین مشخص شد که در مورد وندها با گونه‌ای از چندمعنایی روبه‌رو هستیم که نه در سطح واژه‌های عینی، بلکه در سطح طرحواره‌های ساختی انتزاعی قابل تبیین است و از این رو، آن را چندمعنایی ساختی می‌نامند. بر این پایه، نظریهٔ ساختواژه ساختی مفهوم تازه‌ای از چندمعنایی را آشکار می‌سازد که همانا چندمعنایی پایگانی در سطح ساخت‌های انتزاعی زبان است.

منابع

- بامشادی، پارسا و شادی انصاریان (۱۳۹۴). تبیین ساختارهای ناپایگانی زبان فارسی در چهارچوب نظریهٔ ساختواژه ساخت‌محور. در: *مجموعه مقالات سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در مطالعات زبان*، (صص ۱-۱۲)، تهران: دانشگاه تهران (انتشار به‌صورت لوح فشرده).

----- (۱۳۹۵). رویکرد ساخت‌بنیاد به صرف و کاربرد آن در آموزش واژه‌های

مشق و مرکب فارسی برای فارسی‌آموزان. در: مهین‌ناز میردهقان، مجموعه مقالات نخستین همایش
واکاوی منابع آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، جلد دوم، (صص ۹۹۹-۱۰۲۰)، تهران: خاموش.

----- و فریبا قطره (۱۳۹۶). چندمعنایی پسوند «-ی» فارسی: کندوکاوی در چارچوب ساختواژه
ساختی. جستارهای زبانی، ۸ (۷)، ۲۶۵-۲۸۹.

بهشتی، علاءالدین (۱۳۵۵). ساختمان واژه زبان فارسی امروز. تهران: چاپخانه پیروز.

رفیعی، عادل (۱۳۹۱). صرف ساخت‌محور: شواهدی از فرایندهای واژه‌سازی در زبان فارسی. در: محمد
دبیرمقدم، مجموعه مقالات هشتمین همایش زبان‌شناسی ایران، (صص ۳۲۷-۳۳۶)، تهران: دانشگاه علامه
طباطبایی.

----- و سارا ترابی (۱۳۹۳). وراثت و انگیزتگی رابطه صورت و معنی در واژگان: نمونه‌هایی از
واژه‌سازی زبان فارسی. علم زبان، ۲ (۳)، ۴۹-۶۴.

رواقی، علی (۱۳۸۸). فرهنگ پسوند در زبان فارسی (بررسی دوازده پسوند). تهران: فرهنگستان زبان و ادب
فارسی.

سامعی، حسین و ملیحه تفسیری (۱۳۹۳). الگوهای ساخت‌واژه در زبان فارسی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب
فارسی.

صادقی، علی‌اشرف (۱۳۷۲). شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۱۱). نشر دانش، (۷۷)، ۳۲۱-
۳۲۵.

صمصامی، محمد (۱۳۴۶). پیشوندها و پسوندهای زبان فارسی. اصفهان: نشر مشعل.

عظیم‌دخت، زلیخا و عادل رفیعی (۱۳۹۵). واژه‌های مرکب مختوم به ستاک حال از منظر صرف ساختی: مورد [X
- یاب]. در: شهرام مدرس خیابانی و فریبا قطره، مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی صرف (صص

۱۷۰-۱۴۳). تهران: نشر نویسه پارسی.

فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۶). فرهنگ پیشوندها و پسوندهای زبان فارسی. چاپ دوم. تهران: زوار.

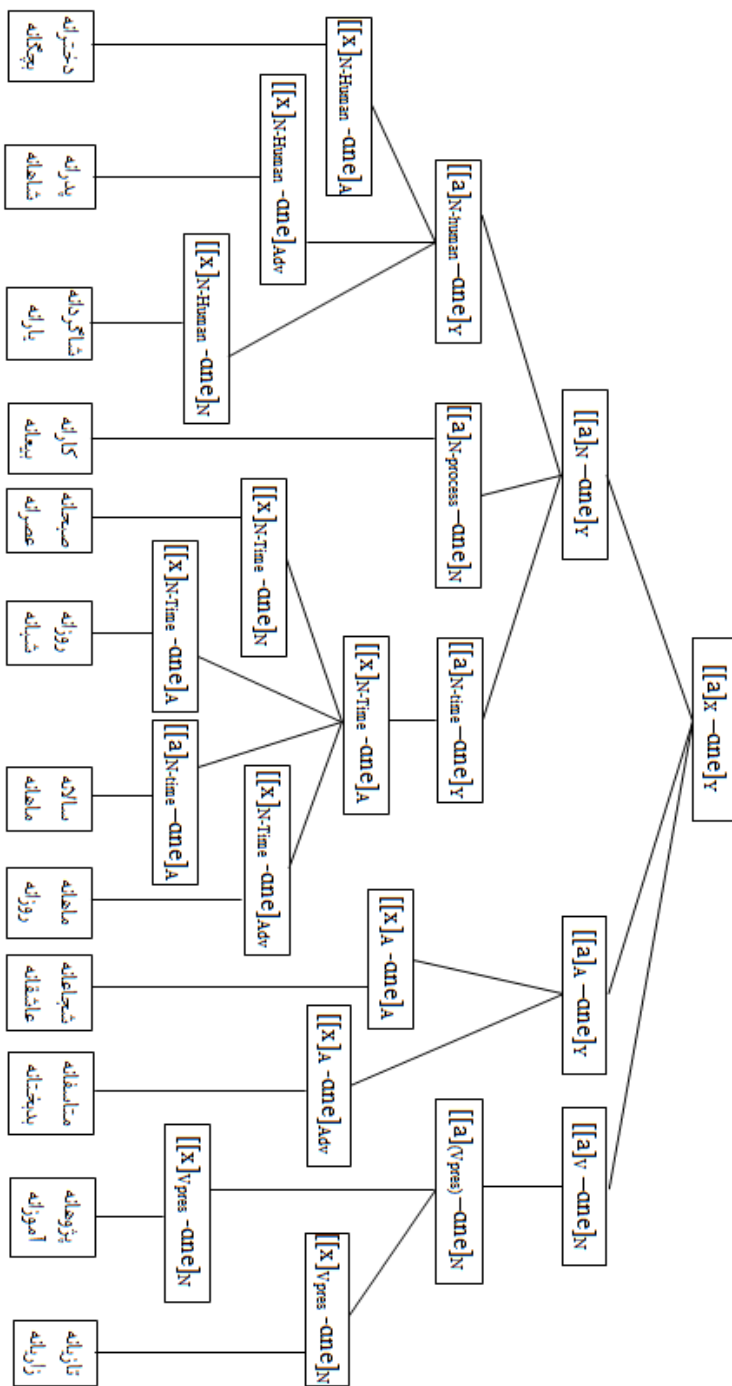
کشانی، خسرو (۱۳۷۱). اشتقاق پسوندی در زبان فارسی امروز. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

----- (۱۳۷۲). فرهنگ فارسی زانسو. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

کلباسی، ایران (۱۳۹۱). ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز. چاپ پنجم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و
مطالعات فرهنگی.

Booij, G. (2007). Construction Morphology and the Lexicon. In: F. Montermini, G. Boye & N. R. Hathout (Eds.), *Selected Proceedings of the 5th Decembrettes: Morphology in Toulouse* (pp. 33-44). Somerville: Cascadilla Proceedings Project.

- (2010). *Construction morphology*. Oxford: Oxford University Press.
- (2013). Morphology in Construction Grammar. In: T. Hoffmann & G. Trousdale (Eds.), *The Oxford Handbook of Construction Grammar* (pp. 255-274). Oxford: Oxford University Press.
- (2015). Word-Formation in Construction Grammar. In: P.O. Müller, I. Ohnheiser, S. Olsen & F. Rainer (Eds.), *Word-Formation: An International Handbook of the Languages of Europe*, Vol. 1 (pp. 188-202). Berlin/Boston: De Gruyter Mouton.



پوست (۱). چندمعنایی پسوند «-انه» در زبان فارسی

